

مکاشفه عیسی مسیح — شماره سیزده

جنگ در آسمان و ایام آخر: آشکار ساختن جدول زمانی نبوی از مکاشفه ۱۲ و ۱۳

Jeff Pippenger

2023-11-09

ما جنگ آسمانی توصیف شده در باب دوازدهم کتاب مکاشفه را شناسایی کرده ایم. با به کارگیری اصل شخصیت مسیح که آلفا و امگا است، ما به جنگ آسمانی باب دوازدهم به منزله نماد پیشگویانه ای از آن جنگ آسمانی نگریسته ایم که در «ایام آخر» رخ می دهد. تعبیر «ایام آخر» در کتاب مقدس و در روح نبوت، به معنای آخرین روزهای داوری تحقیقی است.

ما سه قدرت شیطانی باب های دوازده و سیزده را نه به عنوان قدرت هایی که تحققشان در تاریخ گذشته یافت می شود، بلکه به عنوان تحقق امروزی همان قدرت ها که جهان را به هارمجدون رهبری می کنند، شناسایی کرده ایم. ازدهای باب دوازده، سازمان ملل متحد است؛ کلیسای کاتولیک، که قرار است به هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده احیا شود، همان وحش دریایی باب سیزده است؛ و وحش زمینی دوشاخ، ایالات متحده است.

ما در حال شناسایی این بوده ایم که نبردی که در فصل دوازدهم به طور متعارف منحصرآ پازنمایی شورش لوسیفر در آسمان دانسته می شود، در واقع جنگی را به تصویر می کشد که در شهب آسمان زمینی در شرف وقوع است و آغاز آن از قانون یکشنبه ای قریب الوقوع در ایالات متحده خواهد بود. ما زمانی را صرف کرده ایم تا مشخص سازیم که فرایند آزمایشی ای که در مکاشفه سیزدهم، آیات یازده تا هفده، به تصویر کشیده شده است، مستلزم تشخیص شکل گیری صورت وحش است. صورت وحش نمایانگر ترکیب کلیسا و دولت است، با این تفاوت که کلیسا بر این رابطه حاکم است. هنگامی که کلیسا حاکم باشد، آنگاه از دولت برای اعمال تعالیم خود و آزار کسانی که آنان را بدعت گذار تعریف می کند، استفاده می نماید. فرایند آزمایشی جهانی مرتبط با شکل گیری صورت وحش، نخست در درون ایالات متحده به انجام می رسد. ویژگی های نبوی هر یک از دو فرایند آزمایشی، چه در ایالات متحده و چه در جهان، اساساً یکسان است.

ما به دو دوره یکسان هزار و دویست و شصت روزه که پیش و پس از صلیب قرار داشتند، به عنوان شاهی دوم برای شناسایی دو فرایند پیاپی آزمون تصویر وحش در پایان جهان اشاره کردیم. شکل گیری تصویر وحش در ایالات متحده، میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و قانون یکشنبه ای که به زودی خواهد آمد، پیش از شکل گیری تصویر وحش در سازمان ملل متحد پس از آن قانون یکشنبه ای قریب الوقوع رخ می دهد. هزار و دویست و شصت روز خدمت مسیح از تعمیم او تا صلیب، پیش از هزار و دویست و شصت روز خدمت شاگردان او قرار داشت که پس از صلیب آمد. این دو خط، که هر دو شامل دو دوره اند که در هر دوره آزمون هایی یکسان را بازنمایی می کنند، مضمون یا تصویر مسیح یا تصویر ضد مسیح را نشان می دهند.

د مسیح د خدمت هغه زر دوه سوه شپيته ورځې چې په صلیب پای ته ورسېدې، هغه مهال پیل شوې کله چې روح القدس د هغه د بپتسمې پر وخت نازل شو، او دا د مکاشفې اتلسم باب له څواکمنې فرېنېتې سره سمون خوري چې د ۲۰۰۱ کال د سپتمبر په ۱۱مه راکوزه شوه.

«اکنون این سخن از کجا آمده است که من اعلام کرده ام نیویورک باید به وسیله موجی عظیم جاروب شود؟ من هرگز چنین نگفته ام. من گفته ام، آنگاه که به ساختمان های عظیمی که در آنجا طبقه بر طبقه سر برمی آوردند می نگریستم: "چه صحنه های هولناکی رخ خواهد داد آنگاه که

خداوند برخیزد تا زمین را به شدت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفہ 18:1-3 به انجام خواهد رسید۔ تمام باب ہجدهم مکاشفہ ہشدار ی است درباره آنچه بر زمین خواهد آمد۔ اما در خصوص آنچه بر نیویورک خواهد آمد، بہ طور خاص نوری بہ من دادہ نشدہ است، جز این کہ می دانم روزی ساختمان های عظیم آنجا بہ وسیلہ چرخش و واژگونی قدرت خدا فرو افکندہ خواهند شد۔ از نوری کہ بہ من دادہ شدہ است، می دانم کہ ہلاکت در جہان است۔ یک کلمہ از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناہای سترگ فرو خواهند ریخت۔ صحنہ هایی رخ خواهد داد کہ دہشت آنہا را نمی توانیم تصور کنیم۔» Review and Herald, July 5, 1906.

دورہ ہزار و دوہست و شصت روزہ در تاریخ مسیح، کہ بہ صلیب پایان یافت، نمایانگر آن دورہ زمانی است کہ در قانون یکشنبہ بہ زودی آیندہ بہ پایان می رسد۔ صلیب، قانون یکشنبہ را بہ عنوان نمونہ پیش نمون می سازد۔ ہر دو نماد داوری اند۔ ہر دو نمایانگر فرارسیدن ویرانی ملی برای آن ملتی ہستند کہ رویداد داوری در آن واقع می شود۔ ہر دو در سرزمین جلال یہودا بہ وقوع پیوستند۔ در تاریخ مسیح، این سرزمین جلال یہودی literal بود، و در ہنگام قانون یکشنبہ، سرزمین جلال یہودی روحانی است، یعنی ایالات متحدہ آمریکا۔ در ہنگام صلیب، مسیح برافراشتہ شد تا ہمہ مردم را بہ سوی خود جذب کند۔

اور میں، اگر زمین سے اوپر اٹھایا جاؤں، تو سب آدمیوں کو اپنی طرف کھینچ لوں گا۔ اُس نے یہ اس موت کی طرف اشارہ کرتے ہوئے کہا کہ وہ کس طرح کی موت مرنے والا تھا۔ یوحنا 12:32، 33۔

در ہنگام قانون یکشنبہ، عَلم صد و چہل و چہار ہزار نفر برافراشتہ می شود تا ہمہ انسان ہا را بہ سوی مسیح جذب کند۔

और; बुलाएगा देकर सीटी उन्हें से छोर के पृथ्वी और, करेगा खड़ा ध्वज एक लयि के जातियों से दूर वह और 5:26. यशयाह जाएँगी। आ से वेग बहुत, से शीघ्रता वे, देखो

د مسیح پہ تاریخ کہ د زر او دوه سوه شپېتو ورځو هغه موده چې له صلیب وروسته راځي، د استفانوس د سنگسار کېدو پر مهال د میکائیل په پاڅېدو سره پای ته رسېږي۔

لیکن وہ، روح القدس سے معمور ہو کر، آسمان کی طرف ثابت نگاہی سے دیکھنے لگا، اور خدا کا جلال اور یسوع کو خدا کی دہنی طرف کھڑا دیکھا، اور کہا، دیکھو، میں آسمانوں کو کھلا ہوا، اور ابن آدم کو خدا کی دہنی طرف کھڑا دیکھتا ہوں۔ اعمال 7:55، 56۔

چہل ودو ماہ نمادین زمان آزمون واپسین صورت وحش، با برخاستن میکائیل بہ پایان می رسد و پایان مہلت آزمایش انسان را رقم می زند۔

اور اُس وقت میکائیل کھڑا ہوگا، وہ عظیم فرشتہ جو تیرے لوگوں کی اولاد کی حمایت کرتا ہے؛ اور مصیبت کا ایسا زمانہ آئے گا جیسا کہ قوموں کے وجود میں آنے سے لے کر اُس وقت تک کبھی نہ آیا ہوگا؛ اور اُس وقت تیرے لوگ نجات پائیں گے، یعنی ہر ایک جس کا نام کتاب میں لکھا ہوا پایا جائے گا۔ دانی ایل 12:1۔

تاریخ کامل ہر دو روند آزمون «تصویر وحش» دربردارندہ دیگر گواہان درونی نبوی است۔ اگر این امر بہ درستی فہمیدہ شود—و من اذعان می کنم کہ اشخاص اندکی این حقیقت را درک می کنند—آنگاہ روشن می گردد کہ نخستین روند آزمون «تصویر وحش» کہ در ایالات متحدہ تحقق می یابد، در یازدہم سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، ہنگامی کہ وای سوم بہ درون تاریخ وارد گردید۔ قانون یکشنبہ، کہ در آن نخستین روند آزمون «تصویر وحش» پایان می پذیرد، فرارسیدن وای سوم را در داوری بر ضد ایالات متحدہ بہ سبب تصویب قانون یکشنبہ نشان می دہد۔ در آن زمان، فرارسیدن وای سوم بہ خشم آوردن امت ہا را محقق می سازد، در تتیم مکاشفہ باب یازدہم، آیہ ہجدهم، و نخستین اشارہ بہ

نقش اسلام در به خشم آوردن امت‌ها در نبوت کتاب مقدس.

او مردی وحشی خواهد بود؛ دست او بر ضد هر کس، و دست هر کس بر ضد او خواهد بود؛ و او در حضور همه برادران خویش ساکن خواهد شد. پیدایش 16:12.

قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، پایان نخستین دورهٔ آزمون، و نیز آغاز آخرین دورهٔ آزمون است. آخرین دورهٔ آزمون هنگامی پایان می‌یابد که مهلت آزمایش انسان بسته شود، و در آن زمان، چهار باد که نمادی از وای سوم هستند، به‌طور کامل رها می‌شوند.

«ऐसी एक उसने तब, देखा को जात। एक हुई की वलिग से परमेश्वर में लोगो यहूदी ने उद्धारकर्ता जब वह जैसे और थी। संयुक्त साथ के पोपतंत्र और संसार जो देखा भी को कलीसिया मसीही नामधारी डूब पीछे के पहाड़ियों पश्चिमी सूर्य कतिक यहाँ, रहा करता वलिप पर यरूशलेम होकर खड़ा पर पर्वत-जैतून है। रहा कर वनिती उनसे और है रहा रो लिए के पापियों में क्षणों अंतमि इन के समय भी अब वह ही वैसे, गया ,अन्धकार; दो छोड़ को वपित्तियों, 'कहेगा, है हुए थामे को पवनों चारों जो, से स्वर्गदूतों उन वह ही शीघ्र प्रकाश बड़ा जनिहैं, से लोगो उन उसे क्या' दो। आने पर अपराधियों के व्यवस्था मेरी को मृत्यु और, वनिश इस अपने कम से कम, तू यदि, 'था कहा से यहूदियों उसने जो पड़ेगा कहना वही, है हुआ प्राप्त ज्ञान और गई छपि से आँखों तेरी वे अब परन्तु! है रखती सम्बन्ध से शान्त तेरी जो लेती जान को बातों उन, में दनि है।" Review and Herald, October 8, 1901.

در تاریخ مسیح، نخستین نشانهٔ راه نخستین دورهٔ هزار و دویست و شصت روزه از تعمیم او آغاز شد، که نمادی از مرگ و رستاخیز او بود. آن دوره با مرگ و رستاخیز او پایان یافت، که هم‌زمان آخرین دورهٔ هزار و دویست و شصت روزه را آغاز کرد. آن دوره با مرگ و رستاخیز وعده داده شدهٔ استیفاً به پایان رسید.

خطّ التاريخ الذي يُمثّل صورة المسيح، له البنية النبوية ذاتها المطابقة لخطّ التاريخ الذي يُمثّل صورة ضد المسيح.

در کتب مقدس، مسیح پادشاه حقیقی شمال است، و همواره مقصود شیطان این بوده است که اقتدار ملوکانه مسیح را سرنگون سازد و جعل کند.

اے لوسیفر، اے صبح کے فرزند! تو آسمان سے کیسے گر پڑا! تو، جو قوموں کو کمزور کرتا تھا، کیسے زمین پر کاٹ کر گرا دیا گیا! کیونکہ تو نے اپنے دل میں کہا تھا: میں آسمان پر چڑھوں گا، میں اپنے تخت کو خدا کے ستاروں سے بلند کروں گا؛ اور میں جماعت کے پہاڑ پر بھی، شمال کی انتہاؤں میں، بیٹھوں گا؛ میں بادلوں کی بلندیوں سے بھی اوپر چڑھوں گا؛ میں حق تعالیٰ کی مانند ہو جاؤں گا۔ یسعیاہ 14:12-14.

«کناره‌های شمال» اورشلیم است، شهر پادشاه عظیم، جایی که مقدس او در آنجاست.

سرود و زمزمی برای پسران قورح. خداوند عظیم است و در شهر خدای ما، بر کوه قدس او، به غایت سزاوار ستایش. کوه صهیون، که در جوانب شمال واقع است، شهر پادشاه عظیم، به سبب جایگاه نیکویش، شادی تمامی زمین است. مزامیر 2، 48:1

در کتب مقدس، «پادشاهان شمال» زمینی همواره به عنوان دشمنان قوم خدا معرفی شده‌اند. آنان نمایانگر تلاش شیطان برای جعل و بدلی‌سازی پادشاه حقیقی شمال‌اند؛ همان که بر تخت خود در اورشلیم، که «اطراف شمال» است، جلوس کرده است. خطی که دو فرایند آزمون تصویر وحش را بازنمایی می‌کند و به موازات خط دو فرایند آزمون تصویر مسیح امتداد می‌یابد، در مضمون تلاش شیطان برای آن که پادشاه شمالی باشد که بر قوم خدا فرمان می‌راند، شاهی سوم نیز دارد.

در سال ۷۲۳ پیش از میلاد، پادشاه شمال، که در آن زمان آشور نماینده او بود، ده قبیله شمالی اسرائیل را، در تحقق «هفت زمان» لاویان بیست و شش، به اسارت برد. هزار و دویست و شصت سال بعد، در سال ۵۳۸، پادشاه شمال، که در آن مقطع از تاریخ با روم بت پرست تحت اللفظی نمایان می شد، تخت سلطنت را به روم پاپی واگذار کرد؛ و سپس روم پاپی برای هزار و دویست و شصت سال دیگر پادشاه روحانی شمال شد. آن دوره دوم هزار و دویست و شصت ساله در سال ۱۷۹۸ پایان یافت، هنگامی که پادشاه روحانی رومی شمال زخمی مهلک دریافت کرد. هنگامی که پاپیت در سال ۱۷۹۸ زخم مهلک خود را دریافت کرد، این امر نمونه ای از پایان مهلت آزمایش انسان بود، زمانی که پاپیت برخاسته از مرگ سرانجام و برای همیشه به پایان خود می رسد و هیچ کس برای یاری او نخواهد بود.

اور وه اینے محل کے خیمے دونوں سمندروں کے درمیان اُس جلیل القدر مقدس پہاڑ میں نصب کرے گا؛ تو بھی وہ اپنے انجام کو پہنچے گا، اور کوئی اُس کی مدد نہ کرے گا۔ اور اُس وقت میکائیل کھڑا ہوگا، وہ عظیم فرشتہ جو تیری قوم کی اولاد کے لیے کھڑا رہتا ہے؛ اور ایسی مصیبت کا وقت آئے گا جیسا اُس وقت تک کبھی نہ ہوا ہوگا جب سے کوئی قوم وجود میں آئی؛ اور اُس وقت تیری قوم نجات پائے گی، یعنی ہر ایک جو کتاب میں لکھا ہوا پایا جائے گا۔ دانی ایل 11:45، 12:1.

«هفت زمان» در لاویان بیست و شش، که معادل دو هزار و پانصد و بیست سال است، آشور را در سال ۷۲۳ پیش از میلاد به عنوان پادشاه شمال معرفی می کند، و او به عنوان پادشاه شمال، پادشاهی «شمالی» اسرائیل باستان را فتح کرد. از آن نقطه به بعد، بت پرستی، از آشور آغاز شده تا روم بت پرست، قوم خدا را، یعنی «لشکر» مذکور در دانیال ۸:۱۳، به مدت هزار و دویست و شصت سال پایمال کرد. در سال ۵۳۸، پادشاه لفظی رومی شمال، به گونه ای نبوتی به وسیله پادشاه روحانی رومی شمال مغلوب شد، و او اسرائیل روحانی خدا را برای هزار و دویست و شصت سال دیگر پایمال کرد. دوره دوم پایمال شدن با دریافت زخم مهلک پادشاه روحانی رومی شمال در سال ۱۷۹۸ پایان یافت.

در خط تصویر مسیح، نقطه مرکزی صلیب است، جایی که مرگ شناخته می شود. در دو دوره آزمونی شکل گیری تصویر وحش، نقطه مرکزی مرگ وحش زمینی است. در خط پادشاه شمال جعلی، نقطه مرکزی مرگ پادشاه شمال واقعی روم است.

این خطوط نمایانگر سه شاهد کتاب مقدس هستند که هر یک، در درون یک دوره زمانی، شامل دو بازه زمانی متوالی است. هر نقطه مرکزی با مرگ جسمانی، یا با مرگ یک پادشاهی از نبوت کتاب مقدس، مشخص می شود. در مورد مسیح، نقطه مرکزی مرگ و رستاخیز او بود. در مورد تصویر وحش، نقطه مرکزی مرگ وحش زمین، یعنی ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، در هنگام قانون یکشنبه است. در خط پادشاه شمال جعلی، نقطه مرکزی نمایانگر مرگ پادشاه حقیقی رومی شمال، یعنی چهارمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، است.

دو شاهد مکاشفه باب یازدهم، بنا بر گفته خواهر وایت در کتاب «نبرد عظیم»، نمایانگر کلام خدا هستند. مسیح، کلام خداست. به آن دو شاهد قدرت داده شد تا به مدت هزار و دویست و شصت روز، در حالی که پلاس پوشیده بودند، نبوت کنند. سپس در کوچه کشته شدند، و تا سه روز و نیم برنخاستند. «هزار و دویست و شصت روز» و «سه روز و نیم» هر دو نماد دوره بیابانی هزار و دویست و شصت ساله اند. آنان با توان بخشی ای آغاز کردند که در آن، در حالی که پلاس پوشیده بودند، نبوت نمودند، و آن دوره به مرگ انجامید. سپس برای همان دوره نبوی خاموش ماندند و به مرگ ملیس بودند، تا آن گاه که برخیزانیده شدند تا هشدار فرشته سوم را اعلام کنند؛ هشدار که پایان زمان آزمایش را اعلان می دارد.

این چهار خط نبوی معادل چهار شاهد هستند. ساختار نبوی هر یک از این چهار شاهد یکسان است. دوره‌های زمانی هر یک از این هشت دوره، به‌استثنای بازه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه قریب‌الوقوع، که در این چهار خط یافت می‌شود، از لحاظ نبوی یکسان‌اند. هر نقطه مرکزی نمایانگر نوعی مرگ است. دو خط از این خطوط به مسیح می‌پردازند، خواه به‌عنوان تصویر او، و خواه به‌عنوان کلام خدا. دو خط دیگر نمایانگر ضد‌مسیح هستند، خواه از جهت میل او به جعل مسیح در مقام پادشاه شمال، و خواه به‌منظور جعل نظام حکومت مسیح.

ما در مقاله بعدی خود خواهیم کوشید یکصد و چهل و چهار هزار تن را با نبرد در آسمان اول به هم پیوند دهیم. خواننده یا شنونده عزیز: خواه از دیدن این حقایق سر باز زنید، و خواه آن‌ها را ببینید، لازم است خاطرنشان شود که اطلاعاتی که در همه این مقالات ارائه می‌گردد، از طریق به‌کارگیری آغاز یک چیز برای شناسایی پایان همان چیز، شناخته می‌شود و سپس مورد تأیید و تثبیت قرار می‌گیرد. این امضای نبوی آلفا و امگا است، و بخشی بزرگ از مکاشفه عیسی مسیح است که اکنون مهرگشایی می‌شود.

چیزهای پنهان از آن یهوه خدای ماست؛ اما آنچه مکشوف شده است، تا ابد از آن ما و فرزندان ماست، تا همه سخنان این شریعت را به‌جا آوریم. تثنیه 29:29.